

واژه‌های ایرانی در نوشته‌های باستانی

(عبری - آرامی - کلدانی)

همراه با

اعلام ایرانی

نوشته

شهرام هدایت

به مادرم

و با یاد سوسنی که سخت زود پژمرد

به نام خداوند جان و خرد

آنچه در این نوشتار از دیدتان خواهد گذشت، نتیجه‌ی پژوهشی است در زمینه‌ی واژه‌های آریایی و اعلام ایرانی درسی و نه نوشته‌ی کهن به زبانهای عبری، آرامی - کلدانی - که مجموعه کتابهای "توراه"، "نوی بییم را شونیم"، "نوی بییم آخرونیم" و "کتوویم" نوشته‌های دینی یهود - را می‌سازند.

ره یابی این واژه‌ها بدین نوشته‌ها، نشانه‌ی است از پیوندی که میان ایرانیان کهن و اقوام سامی همسایه‌شان به ویژه یهود می‌بوده.

درباره‌ی این پیوند، به دشواری می‌توان سخن گفت، چرا که آن خود یکی از تاریکی‌های تاریخ یا بهتر گفته شود پیش از تاریخ است.

سرحلقه‌ی این زنجیر چیست؟ هیچ نمی‌دانیم. آیا می‌توان افسانه‌هایی را که در تاریخ‌های اسلامی ایران آمده درست و استوار پنداشت و با حقیقت دمساز شمرد؟ افسانه‌هایی را که کوروش - شاه بزرگ هخامنشی - را از مادری یهودی می‌دانند و سبب دل بستگی اش به یهود و رهاندن آنان از اسارت را، سفارش مادر یا دست کم بنا به پیوند خاندانی می‌گویند، افسانه‌هایی را که ریشه‌ی سنت ازدواج با زنان یهودی را که در میان هخامنشیان رایج می‌بوده (چون ازدواج خشایارشا با استر)، ازدواج پدر کوروش با دختری یهودی "اشین" نام (فارسانامه ابن بلخی ص ۴۴) یا "استر" نام (مجموعه‌ی التواریخ و القصص ص ۲۱۳ و ۲۱۴) می‌شمارند؟ (۱)

و یامی باید که این همه را به یکباره رها کرد و به افسانه‌های یونانی روی آورد؟ هر چه هست در دوره‌ی تاریخی همه چیز با پیدایی کوروش - شه‌ریار بزرگ هخامنشی - و نجات بخشی یهودان اسیر به بابل آغاز می‌شود که از آن پس سرزمین یهود، بخشی از شاهنشاهی هخامنشی می‌گردد و یهودان، فرمانبردار شاهان ایرانی می‌شوند.

در مورد نقش کوروش در اساطیر و افسانه‌های دینی یهود سخن بسیار گفته و نوشته شده (۲) می‌دانیم که کوروش - این بزرگمرد تاریخ، این آخرین شاه پیامبر فرهنگ ایران، که بنا به شواهدی چند می‌توان او را یکی از آن کسان که به باور ایرانیان کهن بر سر هر هزاره پدید می‌آیند، شمرد (۳) - مسیح و منجی دین یهود خوانده شده.

آنچنان که از باستان‌شناسی نوشته‌های دینی و بررسی پژوهندگان تاریخ و

فرهنگ یهود بر می‌آید، دین یهود از پس رهایی یهودان از اسارت بابل بود که شکل گرفت و فرهنگی مدون یافت.

"ویل دورانت" در تاریخ تمدن می‌گوید: "تاریخ یهود است که سازنده‌ی این قوم به شمار می‌رود، نه اینکه یهودیان تاریخ خود را ساخته باشند." (۴)

و این اسارت در بابل و رهایی به دست کوروش و بازگشت به سرزمین خویش است که تاریخ ملت یهود را می‌سازد و فرهنگ یهود را پایه می‌گذارد.

پیداست که نقش کوروش - شاهنشاه بزرگ ایران - و از پی او فرهنگ و ادب کهن ایران، در این میان، بس گسترده می‌بوده.

نکته بی‌ی که در این زمینه تاکنون کمتر گفته یا نوشته شده، آنست که با به دیده داشتن کهنی نوشته‌های دینی یهود، بنابر آنچه باستانشناسی باز می‌نماید و نه آنچه یهود خود بر آن باور می‌دارند (و پس از این بدان اشارت خواهد رفت)، کوروش نه تنها مسیح قوم یهود که به راستی آغازگر این اندیشه و باور در میان یهود است. این باور و پندار (پیدایی مسیح خداوند، منجی) از پس کوروش است که در میان یهود دیده می‌شود.

بد نیست گفته‌آید که در نوشته‌های دینی یهود از چهار کس به نام "مسیح خداوند" یاد شده که این چهار کوروش، شاول، سلیمان (۵) و مسیح و منجی نامشخص آینده که به آخر زمان ظهور خواهد کرد، هستند. (۶)

هرچه هست به دیده‌ی من پدیدآورنده‌ی این اندیشه و باور و نخستین مسیح قوم یهود، کوروش شاه بزرگ ایران است.

نکته‌ی دیگری که شایسته‌ی اشارت است و به گمان من تاکنون گفته یا نوشته نشده اینست که در "تلمود" - از آنجا که به دوران تلمودی ایمان و اعتقاد به اعداد و حروف و اعداد حروف و... سخت رایج و پر رونق می‌بوده، آیات "تَنخ" (توراه - نوی بیم-کتووم) از این دید نیز مورد تعبیر و تفسیر قرار گرفته - واژه‌ی عبری "ماشیح" (مسیح) دگرگون شده و به هم ریخته‌ی واژه‌های "شم" و "حی" (به معنای "نام، زنده") (نام جاوید) شمرده شده بدین شکل کوروش - شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه ایران زمین - یکی از جاودانان اساطیری قوم یهود می‌شود. (ای بسا که ایمان به بودن جاودانان نیز خود از باور ایرانیان کهن و افسانه‌های ایرانی در این زمینه، مایه گرفته باشد.)

به هررو، از بی‌کوروش و به هنگام شاهی جانشینانش کمبوجیه، داریوش، خشایارشا اردشیر و... تا هجوم اسکندر، پیوند ایرانیان با یهود که دیگر جزیی از مردم شاهنشاهی ایران به شمار می‌رفتند استوارتر و گسترده تر شد و از آن پس نیز

سه

نشانه‌هایی گونه‌گون از این پیوند را در تاریخ و فرهنگ هر دو قوم می‌توان دید. در مورد نوشته‌هایی که در این نوشتار مورد پژوهش قرار گرفته‌اند چندان نمی‌توان سخن گفت، چرا که نه از نویسندگان یا نویسندگان آنها خبری هست و نه از تاریخ نگارش آنها و جای این نگارش، نشانی. گویانکه در این زمینه بیش از پنجاه هزار کتاب نوشته شده ولی راستی را که هیچیک از آنچه در این زمینه آمده، نمی‌توان استوار پنداشت، نه آنچه را که بر پایه‌ی باورهای سنتی یهود و تاریخ افسانه‌ی آنان است و نه حتی آنچه را که کشفیات باستانشناسی بازنموده است.

آنقدر در این زمینه سخن بسیار است که گزیدن یکی از آن همه و باور داشتن آن، چندان واقع بینانه نتواند بود.

یهود پیشینه‌ی اسفار خمسه "توراه" را به نزدیک هزار و سیصد سال پیش از مسیح می‌برد و کتابهای پس از آن را به سالهایی بعد تا سده‌های هفتم و ششم و باستانشناسی این پیشینه را بیشتر افسانه می‌بیند و بر آنست که بسیاری از نوشته‌هایی که به دیده‌ی یهودکهن شمرده می‌شوند، از بسیاری دیگر نوشته‌های به ظاهر نو، نوترند.

کهن‌ترین نوشته‌ی که باستانشناسی از آن سخن می‌گوید باب‌های ۱ تا ۳۹ کتاب اشعای نبی است که به سال ۷۱۰ پیش از میلاد نوشته شده، کتابهای ارمیا، داوران سموییل، پادشاهان ر به سده‌های هفتم، ششم و پنجم و نوشته‌هایی چون کتاب امثال سلیمان و به قرن‌های سوم و دوم پدید آمده‌اند. خود اسفار خمسه "توراه" نیز به تدریج میان سده‌های پنجم تا سوم پیش از میلاد شکل گرفته است. (۷) ناگفته پیداست که بسیاری از چیزهایی که در این نوشته‌ها آمده به زمانهایی بس دورتر وابسته‌اند حتی به هزاره‌های دوم و سوم چرا که بسیاری از آن افسانه‌ها به اسطوره‌های بابلی و سومری و ره می‌برند وای بسا که نوشته‌هایی از این افسانه‌ها به گوشه‌ی وجود می‌داشته، زمانی که به آنها اشاره شد، هنگام شکل گرفتن و مدون شدن این افسانه‌ها یا نوشته‌هاست.

به هر حال می‌توان پیدایی این نوشته‌ها را در فاصله‌ی میان سده‌های هشتم تا سوم پیش از میلاد دانست.

بررسی واژه‌های آریایی و اعلام ایرانی، در این نوشته‌ها، گذشته از آن که بیانگر ره‌یابی فرهنگ و ادب کهن ایران در فرهنگ یهود است و روشنگر بسیاری از تاریکی‌های تاریخی و فرهنگی هر دو ملت، می‌تواند در زمینه‌ی باز نمودن هنگام نوشته شدن یا گرد آمدن این نوشته‌ها نیز سودمند افتد.

چهار

چگونگی حروف و حرکات واژه های آریایی به ویژه اسامی خاص ایرانی در این نوشته ها اهمیتی فراوان می دارد، چراکه می تواند نکته های بسیاری را در زمینه زبانهای باستانی ایران و قوانین آنها روشن سازد. نگارنده ی این نوشتار، برآن آرزو می بود که به نام پیشگفتاری بر این پژوهش - همراه با سخن از چگونگی ره یابی این واژه ها و افسانه ها و اسطوره های ایرانی به آن نوشته ها و بررسی تازه یی درباره ی اسطوره شناسی تطبیقی ایرانیان کهن و یهود، سخنی در این زمینه نیز داشته باشد.

اما دریغ که در این روزها - از بد حادثه - توان این کار را در خود نمی بیند و به ناچار برآن امید می ماند که به فرصتی دیگر بدین مهم پردازد و از نتایج بدست آمده از پژوهشهای چندین ساله اش در این مقوله، سخن بدارد.

اما یکی دو نکته از چگونگی پژوهش:

نخست تمامی این سی و نه نوشته، واژه به واژه بررسی شده، واژه هایی که به دیده ی نویسنده آریایی می بوده گزیده شده، مورد بحث قرار گرفته اند.

برای برگرداندن این واژه ها به خط لاتین، از آنجاکه شیوه های رایج برگرداندن حروف و صداهای خط و زبان عبری چندان درست و کامل نمی بود، و مثلاً " بیش از چند صدای اصلی را نمی توانست نمایاند، و از دیگر سو با تنها می توانست حرف حرف واژه ها و یا تلفظ آنها را نشان دهد، نویسنده برآن شد تا شیوه یی تازه براین کار بسازد. شیوه یی که حرف حرف واژه ها " Transliteration " همراه با تلفظ دقیق آنها " Transcription " یکجا نموده شود.

دانشمندان و پژوهندگان زبان و فرهنگ عبری که در این زمینه مورد مشورت نویسنده قرار گرفته اند، همه، این شیوه را کامل ترین و درست ترین شیوه ی برگرداندن حروف و صداهای خط و زبان عبری گفته اند، اگر چه این نویسنده نمی داند تا چه حد از این سخن ها را می باید تعارف پنداشت و تا چه حد را واقعیت. نیازمند یادآوری است که این شیوه تنها در مورد واژه های عبری و آرامی به کار رفته، در مورد دیگر زبانهای باستانی، از شیوه های رایج میان ایرانشناسان بهره گرفته شده.

در پایان سزااست تا از مددیاران و عزیزانی که نویسنده، در این پنجسالی که به این پژوهش سرگرم می بوده، بارها از مهرشان برخوردار شده، از دانششان سود جست، یاد شود.

راستی راکه حتی واژه یی در این نوشته، به کاغذ ننشسته، مگر آنکه یاری و

پنج

راهنمایی عزیزی را به همراه می داشته است. اگر چه نام بردن از یکایک آنان و سپاس گویی جدا جدا به ایشان، بر این نویسنده بایاست، اما از بیم فراموش شدن نامی از آن میان، از این کار در می گذرد و یکجا سپاسمندی و شکر خود را به پیشگاهشان نثار می کند و برایشان آرزوی بهروزی و کامکاری می دارد. (۸)

جا دارد تا سخن، به نام عزیز استاد دکتر بهرام فره وشی که به این نویسنده و این نوشتار، به دیده ی محبت نگریستند و به انتشار این پژوهش، همت و دل بستگی فراوان نشان دادند، به انجام آید.

شهرام هدایت

(۱) ن. ک. به فارسنامه‌ی این بلخی ص ۴۴، مروج الذهب ج ۱ ص ۹۹، کتاب العبر... ابن خلدون ج ۲ ص ۱۶۲، روضة الصفا ج ۱ احوال بهمن، حبیب السیر چاپ خیام ج ۱ ص ۱۳۶ و ۰۰۰۰

(۲) گذشته از مطالبی که در بیشتر تاریخها در این زمینه آمده مقالات تحقیقی ویژه‌ی بی نیز نوشته شده چون مقاله‌ی استاد باستانی پاریزی در مقدمه‌ی ترجمه‌ی کتاب کوروش کبیر به قلم مولانا ابوالکلام آزاد. مقاله‌ی پشتون دوباش با نام بزرگواری شاهنشاهان ایران در تاریخ قوم یهود. مقاله‌ی آمنون نتصر با نام کوروش در روایات یهود ایران. مقاله‌ی ترزاکیان زه با نام کوروش آزادی بخش اسرائیل بر مبنای منابع تورات. مقاله‌ی ه. تدمر با نام کوروش کبیر فاتح بابل. مقاله‌ی جرج کامرون با نام کوروش اول و بابل. و ۰۰۰۰

(۳) پژوهشهای این نگارنده در مورد اسطوره‌های زندگی کوروش او را به چنین باوری ره نموده است، گویا پژوهنده‌ی گرامی آقای دکتر مهرداد بهار نیز در این زمینه سخن‌هایی می‌دارند.

(۴) ویل دورانت، تاریخ تمدن کتاب اول مشرق زمین گاهواره‌ی تمدن بخش اول ترجمه‌ی احمد آرام ۱۳۳۷ تهران.

(۵) در نوشته‌های دینی یهود، اشاراتی به مسیح بودن داود نیز رفته است ولی این اشاره‌ها کنایه‌هایی از مسیح بودن سلیمان - پسر داود - شمرده شده.

(۶) از آن زمان به بعد هزاران کس به این دعوی برخاسته‌اند که عیسی پسر مریم یکی از آنهاست. در تلمود از مدعیان مسیحیت سخن بسیار است و نشان بسیار، هرقدیس و هرکاهن و هررابی یا خود مدعی مسیحیت است، یا شاگردان و پیروانش او را بدین نام خوانده، آیات و نشانه‌های آمده‌را، به سود وی تعبیر و تفسیر کرده، به هرحیله‌ی یافته‌اند تا پیدایی استاد و مرشدشان را ظهور مسیح موعود و منجی بزرگ جهان بشری بدانند.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه می‌توان به گزیده‌هایی که از تلمود به زبانهای اروپایی در دست است از جمله گزیده‌ی بی که به وسیله‌ی راب دکتورکهن به انگلیسی ترجمه شده از سوی حاخام یهوشوع نتن الی و آقای گرگانی به فارسی برگشته، مراجعه کرد.

(۷) ن. ک. به ویل دورانت تاریخ تمدن کتاب اول بخش اول فصل قوم

هفت

(۸) آنچه در این نوشتار آمده چه به هنگام پژوهش، و چه پس از پایان آن، از دید بسیاری از دانشمندان زبان‌شناس و ایران‌شناس ایرانی و خارجی و نیز علمای دینی یهود که به موضوع این پژوهش علاقه مند می‌بودند و یانویسنده به دانستن رای آنان دل‌بسته می‌بود، گذشته، از اصلاحات و راهنمایی‌هاشان برخوردار شده است.

بسیاری از این دانشمندان، در نوشته‌هایی، رنج نویسنده را در این راه ستوده از استواری این پژوهش و ارزش علمی آن سخن گفته‌اند. سخنانی که همه، مایه‌ی افتخار نویسنده‌اند و انگیزه‌ی برای شور و شوق بیشتر او در کار پژوهش. یاد نکردن از این نوشته‌ها، در این نوشتار، ناسپاسی نویسنده نبوده است، که او شرمسار آن محبت‌هاست، اما بر آن پندار است که آوردن نام نامی آن اندیشمندان و نوشته‌های ستایش‌آمیزشان، جز خودستایی ابلهانه‌ی او چیزی نمی‌تواند بود. از این روست که باپوزشی بسیار از این کار در می‌گذرد. مهر همه‌ی آن مهربانان گرامی باد.

متن هایی که مورد پژوهش قرار گرفته :

" توراہ "

Genesis = Ge

בְּרֵאשִׁית

Exodus = Ex

שְׁמוֹת

Leviticus = Lev

וִיקָרָא

Numeri = Nu

במדבר

Deuteronomium = Dt

דברים

" נוי بیמ را شوئیم "

Josua = Jos

יהושע

Judices = Jud

שופטים

Samuel (lib I) = 1 S

שמואל א

Samuel (lib II) = 2 S

שמואל ב